

شناخت، رفتار، یادگیری

بررسی رابطه ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارض زناشویی در دانشجویان زن متاهل

سمیه علیزاده^۱، ریحانه آریان^۲، ساره مرادی^۳

۱. گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد آستارا، گیلان، ایران
۲. گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
۳. گروه روانشناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: nilooqct@gmail.com

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۲/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارض زناشویی در دانشجویان زن متاهل، انجام گرفت. پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. حجم نمونه ۱۳۴ نفر برآورد گردید که به روش نمونه‌گیری در دسترس بعنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در این پژوهش ابزار استفاده شده عبارت بودند از: پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو (۱۹۹۴)، نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (۱۹۹۵)، پرسشنامه تعارض‌های زناشویی برای و ثنایی (۱۳۷۵). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و همچنین رگرسیون گام به گام و با کمک نرم افزار SPSS ۲۶ انجام گردید. نتایج حاصل نشان داد که بین ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارضات زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد و طرحواره‌های بریدگی و طرد، محدودیت مختل و دیگرجهت مندی نقش معنی‌داری در پیش بینی تعارضات زناشویی دارند و طرح واره بریدگی و طرد بیشترین سهم را در پیش بینی تعارضات زناشویی دارد.

کلیدواژگان: ناگویی هیجانی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تعارض زناشویی، دانشجویان

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



شیوه استناددهی: علیزاده، سیمیه، آریان، ریحانه، و مرادی، ساره. (۱۴۰۳). بررسی رابطه ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارض زناشویی در دانشجویان زن متاهل. *شناخت، رفتار، یادگیری*، (۴) ۱۱۶-۱۰۶.

Cognition, Behavior, Learning

Investigating the Relationship Between Alexithymia and Early Maladaptive Schemas with Marital Conflict Among Married Female Students

Somayeh Alizadeh^{1*}, Reyhaneh Arian², Sareh Moradi³

1. Department of Psychology, Payame Noor University, Astara Branch, Guilan, Iran

2. Department of Psychology, Ra.C., Islamic Azad University, Rasht, Iran

3. Department of Psychology, Kha.C., Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

*Corresponding Author's Email: nilooqct@gmail.com

Submit Date: 2024-12-20

Revise Date: 2025-02-10

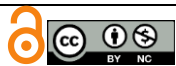
Accept Date: 2025-02-26

Publish Date: 2025-03-20

Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between alexithymia and early maladaptive schemas with marital conflict among married female students. This research employed a descriptive correlational design. The statistical population included all married female students at the Islamic Azad University, Rasht Branch, during the 2023–2024 academic year. A total sample of 134 participants was selected using a convenience sampling method. The instruments used in this study included the Toronto Alexithymia Scale (1994), the short form of the Young Schema Questionnaire (1995), and the Marital Conflicts Questionnaire developed by Barati and Sanaei (1996). Data analysis was conducted using Pearson correlation coefficients and stepwise regression analysis via SPSS version 26. The findings indicated a significant positive relationship between alexithymia and early maladaptive schemas with marital conflict. Among the early maladaptive schemas, the schemas of disconnection and rejection, impaired limits, and other-directedness significantly predicted marital conflict. Notably, the disconnection and rejection schema accounted for the greatest proportion of variance in predicting marital conflict.

Keywords: *Alexithymia, Early Maladaptive Schemas, Marital Conflict, Students.*



How to cite: Alizadeh, S., Arian, R., & Moradi, S. (2024). Investigating the Relationship Between Alexithymia and Early Maladaptive Schemas with Marital Conflict Among Married Female Students. *Cognition, Behavior, Learning*, 1(4), 106-116.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

زندگی زناشویی یکی از شناخته شده ترین نهادهای بشری در جهان است که از دو نفر با توانایی‌ها و استعداد‌های متفاوت، با نیازها و علایق مختلف و در یک کلام با شخصیت‌های کاملاً متفاوت تشکیل می‌شود (Apostolou & Panayiotou, 2019) و به دلیل تفاوت‌های شخصیتی و سبک زندگی ممکن است که زوجها دچار تعارض زناشویی گردند. به طور کلی هنگامی که افراد بر سر موضوعی خاص با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، زمینه برای بروز تعارض در بین این افراد مهیا می‌گردد (Stamps & Metcalf, 2019). تعارض در روابط بین فردی یک امر رایج و اجتناب ناپذیر بوده و به نوعی تعامل که در آن اشخاص تمایلات، دیدگاه‌ها و عقاید متضادی را بیان می‌کنند، تعریف می‌شود، لازم به ذکر است که همه تعارضات هم مخرب نیستند و وجود برخی تعارضات در ارتباط زوجین با یکدیگر طبیعی هستند و بعضی محققان آن را یک پدیده کاملاً طبیعی و عادی در زندگی زناشویی می‌دانند (Frye et al., 2020). تعارضات به دو دسته تقسیم شده: دسته اول تعارضات قابل حل می‌باشند که در موضوعات معمول و روزمره زندگی پیش می‌آید که این دسته در خلال زندگی قابل حل می‌باشند، اما تعارضات مداوم برای همیشه بخشی از زندگی افراد شده، تعارضات دائمی عمیقاً در اختلاف بر سر موضوعات اساسی همچون ارزشها، نقشها و صفات شخصیتی ریشه دارد. این تعارضات دائماً در فضای خانواده جلوه گر می‌گردند و به سختی قابل تغییر می‌باشند (Aryanfar & Poorshehriyari, 2017). تعارضات زناشویی می‌تواند زندگی زوجی را به شدت تحت تاثیر قرار داده و موجب پیامدهای مخربی از جمله کاهش رضایت جنسی، کاهش کیفیت روابط زناشویی و صمیمیت شده و زمینه طلاق رسمی و عاطفی را ایجاد کند (Uhlich et al., 2022). از این رو ضرورت دارد که عوامل موثر بر تعارض زناشویی شناسایی شود تا بتوان برای پیشگیری و کاهش آن مداخلات موثر را طراحی نمود. یکی از ابعاد مهم زندگی زناشویی بعد هیجانی است که اگر در این بعد مشکلاتی وجود داشته باشد می‌تواند موجب مشکلات زناشویی از جمله تعارض زناشویی گردد. ناگویی هیجانی یکی از مشکلات هیجانی است که می‌تواند روابط را تحت تاثیر قرار دهد. ناگویی هیجانی یک ویژگی شناختی-عاطفی است و فرد مبتلا به آن در تنظیم و فهم هیجانهای خود و دیگران ناتوان است. زمانی که اطلاعات هیجانی نتوانند در فرآیند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی گردند، افراد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی شده و این ناتوانی می‌تواند سازمان عواطف و شناختهای آنان را مختل سازد (Kinnaird et al., 2019). از نظر ماهاپاترا و شارما (۲۰۱۸) ویژگی‌های اصلی ناگویی هیجانی عبارتند از: نقص در مولفه‌های شناختی-تجربه‌ای سیستم پاسخ دهی هیجانی، نقص در تنظیم هیجان در روابط بین فردی و ظرفیت محدود برای خیال پردازی (Mahapatra & Sharma, 2018). شواهد نشان می‌دهد که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی در شناسایی صحیح هیجانها در روابط دچار مشکل هستند و این امر می‌تواند موجب تعارض در روابط گردد. پژوهش‌های پیشین (Asadzadeh et al., 2021; Edwards & Wupperman, 2017; Hashemi Pour et al., 2022; Kalantari et al., 2022) نشان دادند که بین ناگویی هیجانی و تعارض زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و ناگویی زناشویی می‌تواند تعارض زناشویی را افزایش دهد.

یکی دیگر از عوامل درون فردی و شناختی مهم و حایز اهمیت برای فهم رابطه زناشویی طرحواره‌های افراد است (Adlparvar et al., 2022; Moradi Davijani et al., 2024). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای شناختی و هیجانی خود-ویرانگری بوده که از اوایل رشد و تحول فرد ایجاد شده و در طول زندگی فرد تکرار می‌شوند (Moradi Davijani et al., 2024). طرحواره از عواملی است که تفسیر افراد از رویدادها و موقعیتها را تحت اثر قرار میدهد و باورهایی می‌باشند که افراد درباره خود، دیگران و محیط دارند، و به طور معمول از برآورده نگردیدن نیازهای اولیه به خصوص نیازهای عاطفی در دوران کودکی نشأت می‌گیرد و در طول زندگی ثابت و پا برجاست و اساس ساخت های شناختی فرد را می‌سازند (Jarvis et al., 2019). طرحواره‌ها سبب سوگیری در تفسیرهای ما از اتفاقات شده و این سوگیریها در آسیب شناسی روانی میان فردی به صورت سوء تفاهمها، نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌های نادرست، هدف و انتظارات غیر واقع بینانه خود را ظاهر می‌کند (Kover et al., 2024). پژوهش‌های پیشین نیز (Adlparvar et al., 2022; Moradi Davijani et al., 2024) حاکی از

این است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌تواند زمینه ساز تعارضات زناشویی باشد و بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

با توجه به اهمیت سلامت خانواده و نقش به سزای آن در سلامت جامعه، خانواده و مشکلات مرتبط با آن از جمله مهمترین موضوعات پژوهشی باید در نظر گرفته شود و با توجه به اینکه تعارضات زناشویی می‌تواند زمینه ساز مشکلات جدی تر چون روابط فرازناشویی، طلاق عاطفی و طلاق در خانواده‌ها گردد، ضرورت دارد که بیشتر مورد توجه قرار گیرد و با شناسایی عوامل موثر بر آن بتوان برنامه‌های جامع تر و کارآمدتری در زمینه تقویت تواناییهای زوجین در مهارتهای زوجی و پیشگیری و کاهش تعارضات زناشویی طراحی نمود. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا بین ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارض زناشویی در دانشجویان زن متاهل رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. بر اساس تعداد متغیرها حجم نمونه ۱۴۰ نفر برآورد گردید که به روش نمونه گیری در دسترس بعنوان نمونه آماری انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند و پس از بررسی پرسشنامه‌های مخدوش حذف و نتایج ۱۳۴ شرکت کننده مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش ابزار استفاده شده عبارت بودند از:

پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو (۱۹۹۴): پرسش نامه توسط بگی و همکاران (۱۹۹۴) ساخته شده است. پرسش نامه ی ناگویی هیجانی تورنتو یک پرسشنامه ی خودسنجی و ۲۰ سوالی است که دارای سه بعد دشواری در تشخیص و شناسایی احساسات (شامل ۷ سوال)، دشواری در توصیف احساسات (شامل ۵ سوال) و تمرکز بر تجارب بیرونی (شامل ۸ سوال) میباشد. سئوالها بر حسب معیار ۵ نقطه ای لیکرت از کاملاً موافقم (۱) تا کاملاً مخالفم (۵) نمره گذاری میشوند و نمره‌های ۶۰ به بالا به عنوان ناگویی هیجانی با شدت زیاد و نمره‌های ۵۲ به پایین به عنوان ناگویی هیجانی با شدت کم در نظر گرفته می‌شوند (مولر و همکاران، ۲۰۰۴). اعتبار همسانی درونی بر حسب آلفای کرونباخ در نمونه ایرانی برای کل مقیاس و ابعاد به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۱/۷۵ و ۰/۶۶ گزارش گردیده است و اعتبار کل مقیاس و ابعاد در نمونه ی بالینی ایرانی با استفاده از روش بازآزمایی به ترتیب ۰/۷۳/۷۷، ۰/۶۹/۰/۶۵ و ۰/۶۵ گزارش شده است (Besharat, 2009).

نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (۱۹۹۵): این پرسشنامه دارای ۷۵ ماده است و بر پایه یافته‌های اشمیت و همکاران (۱۹۹۵) پانزده طرح واره غیر انطباقی اولیه را ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه توسط یانگ و براون (۱۹۹۴) طراحی شده فرم اولیه دارای ۲۰۵ آیتم بود. به منظور ساختن آزمونی کوتاهتر، فرم کوتاه این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ طراحی شد. هر آیتم بر روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره گذاری می‌شود. در این پرسشنامه هر ۵ سوال یک طرحواره را می‌سنجد. در مطالعه ولبرن و همکاران (۲۰۰۲)، کلیه خرده مقیاس‌های ۱۵ گانه فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره از همسانی درونی کافی تا بسیار خوبی برخوردار بودند. آلفای کرونباخ کلیه طرحواره‌ها از ۰/۷۶ تا ۰/۹۳ محاسبه شد. همچنین پایایی فرم کوتاه پرسشنامه به روش بازآزمایی ۰/۶۴ محاسبه گردید (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳ ترجمه حمیدپور، اندوز، ۱۳۸۶). فاتحی زاده و عباسیان (۱۳۸۲) روایی همزمان پرسشنامه و طرحواره را از طریق بررسی رابطه آزمون طرح واره‌ها با آزمون باورهای غیر منطقی (IBL) بررسی کردند که همبستگی حاصله ۰/۳۹ معنادار بود. همچنین روایی صوری پرسشنامه توسط ۱۲ نفر از اساتید دانشگاه اصفهان مورد تأیید قرار گرفت (Moradi Davijani et al., 2024).

پرسشنامه تعارض‌های زناشویی براتی و ثنایی (۱۳۷۵): این پرسشنامه ساخته شده توسط براتی و ثنایی (۱۳۷۵) بود که دارای ۴۲ سوال است که هفت حیطه تعارض زوجین: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش هیجانی، افزایش رابطه با اقوام خود، کاهش رابطه با اقوام همسر، جدا کردن امور مالی از همدیگر، افزایش جلب حمایت فرزند، و کل تعارضات زناشویی را بررسی می‌کند. دامنه نمرات سوالها

بین ۱ تا ۵ و دامنه نمرات پرسشنامه بین ۴۲ تا ۲۱۰ می باشد. پایایی این ابزار توسط براتی (۱۳۷۵) برابر با $0.52/0.69$ بدست آمد. نمره گذاری سوالات به روش لیکرت است. نمره پایین حاکی از تعارض طبیعی و نمره بالاتر نشانه شدت تعارض است (Asadzadeh et al., 2021). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و همچنین رگرسیون گام به گام و با کمک نرم افزار spss 26 انجام گردید.

یافته‌ها

در ابتدا نتایج آزمون همبستگی به همراه میانگین و انحراف معیار متغیرها گزارش شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیر	میانگین (M)	انحراف معیار (SD)	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. تعارض زناشویی	۷۲.۴۵	۱۰.۳۲	۱						
۲. ناگویی هیجانی	۵۶.۷۸	۹.۴۵	۰.۲۳۰	۱					
۳. بریدگی و طرد	۵۹.۶۱	۱۱.۰۷	۰.۵۴۰	۰.۴۶۱	۱				
۴. خودگردانی مختل	۶۲.۳۴	۱۰.۸۹	۰.۳۶۱	۰.۵۶۴	۰.۶۸۵	۱			
۵. دیگرجهت‌مندی	۵۴.۲۹	۹.۷۳	۰.۴۵۵	۰.۱۷۵	۰.۴۵۹	۰.۳۹۸	۱		
۶. گوش‌به‌زنگی و بازداري	۵۸.۱۰	۸.۹۵	۰.۲۹۰	۰.۲۸۱	۰.۳۹۲	۰.۴۰۴	۰.۵۴۰	۱	
۷. محدودیت مختل	۶۰.۲۵	۱۰.۴۱	۰.۵۰۵	۰.۲۸۹	۰.۵۰۹	۰.۵۰۲	۰.۴۸۶	۰.۵۷۲	۱

همه ضرایب همبستگی در سطح $p < 0.01$ معنادار هستند.

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقادیر همبستگی بین ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارضات زناشویی از نظر آماری معنی دار است ($p < 0.01$).

جدول ۲. آزمون تجزیه و تحلیل واریانس برای معنی داری مدل

	SS	DF	MS	F
رگرسیون	۱۷۵۳۹/۹۰	۱	۱۷۵۳۹/۹۰	۵۴/۱۷**
باقی مانده	۴۳۰۷۶/۲۲	۱۳۳	۳۲۳/۸۹	
رگرسیون	۲۱۹۷۶/۴۸	۲	۱۰۹۸۸/۲۴	۳۷/۵۳**
باقی مانده	۳۸۶۹۳/۶۰	۱۳۲	۲۹۲/۷۱	
رگرسیون	۲۳۴۱۱/۱۲	۳	۷۸۰۳/۶	۲۷/۴۷**
باقی مانده	۳۷۲۰۴/۹۸	۱۳۱	۲۸۴/۰۲	

$p < 0.01$ ***

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد در هر سه گام مقادیر F بدست آمده از نظر آماری معنی دار است ($P < 0.01$)؛ بنابراین با اطمینان ۰/۹۹ نتیجه می‌گیریم که رابطه بین ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار با تعارضات زناشویی از نظر آماری معنی دار است و متغیرهای پیش بین (ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه) قدرت پیش بینی متغیر ملاک (تعارضات زناشویی) را دارند؛ بنابراین مجاز به تحلیل

رگرسیون می‌باشیم. جهت تعیین بهترین پیش بینی کننده تعارضات زناشویی از بین متغیرهای پیش بینی کننده از مدل رگرسیون با روش گام به گام استفاده شده است.

جدول ۳. خلاصه نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی تعارضات زناشویی بر پایه ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه

	R	R ²	Beta	SEB	B	
گام اول	-	**۰/۲۸		۵/۲۳	۳۹/۰۷	مقدار ثابت
			۰/۵۳۸	۰/۱۱	۰/۷۵	بریدگی و طرد
گام دوم	۰/۰۷	**۰/۳۶		۵/۸۸	۲۶/۹۸	مقدار ثابت
			۰/۳۷۸	۰/۱۲	۰/۵۲	بریدگی و طرد
			۰/۳۱۴	۰/۲۵	۰/۹۱	محدودیت مختل
گام سوم	۰/۰۳	**۰/۳۹		۰/۹۹	۲۳/۴۹	مقدار ثابت
			۰/۳۲۶	۰/۱۲	۰/۴۵	بریدگی و طرد
			۰/۲۵۲	۰/۲۵	۰/۷۴	محدودیت مختل
			۰/۱۸۴	۰/۲۵	۰/۵۳	دیگر جهت مندی

نتایج رگرسیون به روش گام به گام، جدول ۳ نشان داد که ابتدا طرح واره بریدگی و طرد به عنوان قویترین متغیر پیش بین وارد مدل شده و توانسته است ۲۸ درصد واریانس متغیر ملاک (تعارضات زناشویی) را تبیین کند؛ در گام دوم طرح واره محدودیت مختل به مدل اضافه شده است و این دو متغیر (بریدگی و طرد، محدودیت مختل) توانسته است ۳۶ درصد واریانس متغیر ملاک (تعارضات زناشویی) را تبیین کنند؛ در گام سوم طرح واره دیگرجهت مندی به مدل اضافه شده است و این سه متغیر (بریدگی و طرد، محدودیت مختل، دیگرجهت مندی) توانسته است ۳۹ درصد واریانس متغیر ملاک (تعارضات زناشویی) را تبیین کنند؛ طرح واره های خودگردانی، گوش بزنگی و الکسی تایمیا در تبیین واریانس متغیر ملاک (تعارضات زناشویی) نداشته است.

همانطور که در جدول ۳ مشاهده شد در گام اول بریدگی و طرد وارده مدل شده و با ($Beta=0/538$) نقش معنی داری را در پیش بینی متغیر ملاک (تعارضات زناشویی) داشته است ($p<0/001$) بنابراین معادله تعارضات زناشویی از روی بریدگی و طرد به قرار زیر بدست می‌آید.

$$\text{(بریدگی و طرد)} = 39/05 + 0/75 \times \text{تعارضات زناشویی}$$

در گام دوم بریدگی و طرد با ($B=0/53$, $t=4/69$, $p<0/001$)، محدودیت مختل با ($B=0/92$, $t=3/89$, $p<0/001$)، نقش معنی داری در پیش بینی متغیر ملاک (تعارضات زناشویی) دارند.

$$\text{(محدودیت مختل)} = 26/98 + 0/52 \times \text{تعارضات زناشویی}$$

در گام سوم بریدگی و طرد با ($p < /0.01$ ، $t = 3/93$ ، $B = 0/45$)، محدودیت مختل با ($p < /0.01$ ، $t = 2/99$ ، $B = 0/74$)، دیگر جهت مندی با ($p < /0.01$)، نقش معنی داری در پیش بینی متغیر ملاک (تعارضات زناشویی) دارند. در میان این سه طرح واره، بریدگی و طرد با ($B = 0/53$ ، $t = 2/25$)، بیشترین سهم را در پیش بینی متغیر ملاک (تعارضات زناشویی) دارد.

$$\text{(دیگر جهت مندی)} + 0/53 + \text{(محدودیت مختل)} + 0/74 + \text{(بریدگی و طرد)} + 0/45 = 23/49 = \text{تعارضات زناشویی}$$

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد که بین ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارضات زناشویی رابطه مثبت معنی دار وجود دارد و طرحواره‌های بریدگی و طرد، محدودیت مختل و دیگر جهت مندی نقش معنی داری در پیش بینی تعارضات زناشویی دارند و طرح واره بریدگی و طرد بیشترین سهم را در پیش بینی تعارضات زناشویی دارد. نتایج حاصل در زمینه رابطه ناگویی هیجانی با تعارضات زناشویی همسو با پژوهش‌های (Asadzadeh et al., 2021; Edwards & Wupperman, 2017; Hashemi Pour et al., 2022; Kalantari et al., 2022) است و در زمینه رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارضات زناشویی همسو با پژوهش‌های (Adlparvar et al., 2022; Moradi Davijani et al., 2024) است.

در تبیین نتایج در زمینه رابطه ناگویی هیجانی با تعارض زناشویی می‌توان بیان نمود که ناگویی هیجانی سبب می‌گردد که فرد در شناسایی هیجانات دچار مشکل گردد همین امر باعث می‌شود که زوجین شناخت و درک عمیقی از یکدیگر نداشته باشند و نتوانند نیازها و هیجانات و احساسات یکدیگر را بشناسند و درک کنند همچنین این افراد کمتر قادر به کنترل برانگیختگی فیزیولوژیکی حاصل از هیجانات هستند و بنابراین کمتر در حل تعارضات مشارکت کرده و تعارضات حل نشده روز به روز افزایش می‌یابد (Hashemi Pour et al., 2022). از طرفی ناگویی هیجانی مشکلات بین فردی افراد را به دلیل عدم درک و همدلی افزایش می‌دهد. وقتی اطلاعات مربوط به هیجانات در فرایند پردازش شناختی ادراک و ارزش یابی می‌شوند، فرد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی می‌شوند که این ناتوانی سازمان عواطف و شناخت‌های فرد را از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی می‌کند و به دنبال آن روابط فرد تحت تاثیر قرار گرفته و مختل می‌شود و تعارضات بین فردی افزایش می‌یابد.

در زمینه رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارض زناشویی طبق نظر فریمو (۱۹۹۰) می‌توان بیان کرد که مشکلات ارتباط فعلی افراد، بازتاب مسائل خانواده اصلی آن‌ها است و به اعتقاد او ما نمی‌توانیم همسرمان را واضح و شفاف ببینیم بلکه تصاویری را بر او فراقکنی می‌کنیم. بنابراین، تعامل بین این فراقکنی‌ها متقابل موجب مشکلات زوجها می‌گردد. زیرا زن و شوهر در مورد مسائل واقعی خود بحث نمی‌کنند، بلکه در مورد فراقکنی‌ها و تصاویر ذهنی مرتبط با روابط قبلی به بحث می‌پردازند (Jarvis et al., 2019). این فراقکنی‌ها از تجربیات دوران کودکی ناشی می‌شوند، به عبارتی از طرحواره‌های ما ناشی می‌شوند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه الگوهای شناختی و هیجانی هستند که در دوران کودکی شکل می‌گیرند و بر روابط زناشویی تأثیر قابل توجهی می‌گذارند. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد بین این طرحواره‌ها و تعارضات زناشویی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. وجود طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین با افزایش تعارضات زناشویی همراه است. این طرحواره‌ها با ایجاد نگرش‌های منفی و الگوهای رفتاری مخرب، زمینه ساز اختلافات می‌شوند. طرحواره در حیطه زناشویی، مرکب از باورهایی است که زوجین راجع به خودشان، رابطه زناشویی خود و روشی که در آن روابط می‌توانند کارآمد باشند، حفظ می‌کنند. هر یک از زوجین این طرحواره‌ها را از خانواده اصلی خود گرفته و با آن وارد زندگی زناشویی می‌شوند. رفتارهای هر یک از آنان در این رابطه به تداوم طرحواره‌های آن‌ها منجر شده و در این حین تداخل افکار شخصی حاصل از این طرحواره‌ها باعث ایجاد تعارض زناشویی بین آنان خواهد شد. ویژگی بارز چنین همسرانی آن است که وقتی طرف مقابلشان رفتاری نشان می‌دهد، آن‌ها شروع به ذهن خوانی می‌کنند

طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان فردی به صورت سوء تفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌های نادرست، هدف و چشم داشت‌های غیر واقع بینانه خود را نشان می‌دهند (Kover et al., 2024). به عبارتی طرحواره‌ها به عنوان فیلترهایی هستند که می‌توانند اطلاعات دریافتی افراد را دچار سوگیری کرده و در نتیجه ارزیابی فرد از خود، موقعیت، رابطه و دیگران دچار تحریف شده و زمانی که اطلاعات دریافتی همخوان با این طرحواره‌ها نباشد فرد رفتار ناسازگارانه نشان می‌دهد که به گفته یانگ این رفتار پاسخی به طرحواره است. اینگونه پاسخها موجب تعارض در روابط زناشویی می‌گردد. نتایج نشان داد که طرحواره‌های بریدگی و طرد دارند، محدودیت مختل و دیگرجهت مندی بیشترین همبستگی را با تعارض زناشویی دارند. افرادی که طرحواره‌های در حوزه طرحواره‌های بریدگی و طرد، نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت بخشی با دیگران داشته باشند و عموماً بر این باورند که نیازهایشان برآورده نشده و این افراد عموماً در خانواده‌هایی بدرفتار، سرد، بی عاطفه، طرد کننده و منزوی رشد کرده‌اند و این الگوها را با خود به زندگی زناشویی وارد کرده‌اند. زوجی که دارای هر یک از طرحواره‌های این حوزه باشند در برقراری روابط صمیمی و موثر با دیگران و از جمله همسر، ناتوانند و نمی‌توانند آنگونه که باید رابطه صمیمی برقرار کنند. طرحواره‌های مربوط به وابستگی نوعاً مربوط به ترس از طرد بوسیله همسر و آرزو برای نزدیکی زیادتر با اوست و نیز ترس از اینکه همسر وقتی به حمایت نیاز است غیر قابل اعتماد یا غیر قابل دسترس باشد. این در دسترس نبودن همسر، فقدان حمایت، فقدان عشق و صمیمیت یا طرد، منجر به آشفتگی و رشد مشکلات ارتباطی می‌شود (Young, 1998; Young et al., 2003).

افرادی که طرحواره‌هایی در حوزه محدودیت مختل قرار دارند، به قوانین، اصول و محدودیتها پایبند نیستند. آن‌ها امکان دارد درخصوص احترام به حقوق دیگران، همکاری کردن، متعهد بودن یا دستیابی به اهداف بلند مدت مشکل داشته باشند. علاوه بر این، چنین افرادی اغلب لوس، خودخواه، بی مسئولیت و خود شیفته می‌باشند بنابراین همواره خود و منفعت خود در اولویت اهمیت قرار می‌دهند و در شرایط انتخاب و تصمیم گیری آنچه به نفع خودشان است را انتخاب می‌کنند و خیلی به حقوق، علایق و نیازهای همسر اهمیت نمی‌دهند و این امر، تنش در رابطه زوجی و در مجموع تعارض زناشویی را افزایش می‌دهد.

زوجی که در حوزه دیگر جهت مندی، طرحواره‌ای داشته باشد، عموماً نیازهای خود را نادیده می‌گیرد و در حد افراط برای همسر و دیگران وقت می‌گذارد. از علایق و خواسته‌های خود صرف نظر می‌کند و در تلاش برای رضایت همسر است. زمانی که برای برآوردن نیاز همسر و فرزندان تلاش و ایثار می‌کند مدام با این احساس دست و پنجه نرم می‌کند که نیازهایشان به طور کافی ارضا نمی‌شود و این امر گاهاً منجر به احساس دلخوری می‌شود. او به دلیل ترس از طرد، تنبیه، خشم و انتقام عموماً از همسر اطاعت می‌کند و یک فرد دنباله رو می‌باشد. اطاعت عموماً منجر به افزایش تدریجی خشم شده و به شکل علایم ناسازگار ظاهر می‌شود همچون رفتار منفعل - پرخاشگرانه، طغیان‌های غیر قابل کنترل خشم، علایم روان تنی با انزوای عاطفی و موجب تخریب رابطه و افزایش تعارضات بین فردی از جمله تعارض با همسر می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

Marital life, as a deeply rooted institution in human society, is built upon the interaction of two individuals with differing needs, interests, and personalities (Apostolou & Panayiotou, 2019). These differences can frequently lead to conflicts. Conflict, broadly defined as a situation where individuals express opposing views and preferences, is inevitable in close relationships such as marriage (Stamps & Metcalf, 2019). While some researchers consider conflicts a natural part of marital life, distinguishing between solvable and perpetual

conflicts is crucial (Aryanfar & Poorshehriyari, 2017; Frye et al., 2020). Perpetual conflicts, often rooted in fundamental differences in values and personality traits, can significantly affect marital satisfaction and even lead to emotional or legal divorce (Uhlich et al., 2022). Thus, identifying psychological variables that contribute to marital conflict is vital.

One emotional dimension implicated in conflict is alexithymia, defined as a cognitive-emotional trait characterized by difficulty in identifying and expressing emotions and a tendency to focus on external events rather than inner experiences (Kinnaird et al., 2019). According to Mahapatra and Sharma (2018), alexithymia includes deficits in cognitive-experiential processing, emotional regulation in interpersonal contexts, and limited capacity for fantasy (Mahapatra & Sharma, 2018). Empirical evidence has shown that alexithymic individuals struggle to recognize and express emotions, which impairs effective interpersonal communication and increases the likelihood of conflict (Asadzadeh et al., 2021; Edwards & Wupperman, 2017; Hashemi Pour et al., 2022; Kalantari et al., 2022).

In addition to emotional difficulties, early maladaptive schemas (EMSs) represent another significant cognitive factor that may influence marital functioning (Adlparvar et al., 2022; Moradi Davijani et al., 2024). EMSs are deeply ingrained emotional-cognitive patterns developed during childhood due to unmet core emotional needs, and they shape individuals' interpretations and expectations in relationships throughout life (Jarvis et al., 2019; Kover et al., 2024). These schemas act as cognitive filters that distort perceptions of oneself, others, and relational dynamics, thereby predisposing individuals to interpersonal misunderstandings and maladaptive behaviors.

Given the implications of alexithymia and EMSs on emotional communication and interpersonal harmony, this study aimed to explore the relationship between alexithymia and early maladaptive schemas with marital conflict in married female university students.

Methods and Materials

This descriptive-correlational study targeted all married female students enrolled at the Islamic Azad University, Rasht Branch, during the 2023–2024 academic year. A total of 140 participants were recruited via convenience sampling, of which 134 completed valid responses after excluding incomplete questionnaires.

Data were collected using the following instruments:

1. The Toronto Alexithymia Scale (1994), a 20-item self-report measure evaluating three dimensions of alexithymia: difficulty identifying feelings, difficulty describing feelings, and externally oriented thinking.
2. The Short Form of the Young Schema Questionnaire (1995), comprising 75 items assessing 15 early maladaptive schemas.
3. The Marital Conflicts Questionnaire (Barati & Sanaei, 1996), a 42-item scale measuring seven dimensions of marital conflict.

Data analysis included Pearson correlation coefficients and stepwise regression analyses using SPSS version 26.

Findings

Descriptive statistics and Pearson correlation coefficients indicated significant positive relationships between marital conflict and all predictor variables. Alexithymia ($M = 56.78$, $SD = 9.45$) was significantly correlated with marital conflict ($r = 0.230$, $p < .01$). Among the EMSs, disconnection and rejection ($r = 0.540$), impaired autonomy ($r = 0.361$), impaired limits ($r = 0.505$), other-directedness ($r = 0.455$), and hypervigilance ($r = 0.290$) were all positively associated with marital conflict (all $p < .01$).

Stepwise regression analysis revealed that the schema of disconnection and rejection entered the model first, explaining 28% of the variance in marital conflict. In the second step, impaired limits was added, increasing the explained variance to 36%. Finally, in the third step, other-directedness entered the model, and the three

variables together explained 39% of the variance in marital conflict. Notably, disconnection and rejection remained the strongest predictor throughout all steps ($\beta = 0.538$ in Step 1, $\beta = 0.326$ in Step 3). Other predictors such as alexithymia and the schemas of impaired autonomy and hypervigilance did not significantly contribute to the final model.

Discussion and Conclusion

The study demonstrated that alexithymia and several EMSs are significantly related to marital conflict, with the schemas of disconnection and rejection, impaired limits, and other-directedness serving as meaningful predictors. These findings support the results of earlier studies linking alexithymia with higher levels of marital distress. Alexithymic individuals may struggle to identify and communicate their emotional needs effectively, leading to misunderstandings and unresolved emotional tension within the marital relationship. These communication deficits hinder mutual empathy and problem-solving, thereby escalating conflict intensity.

From a cognitive perspective, EMSs such as disconnection and rejection impair the individual's capacity to form secure and satisfying bonds, often rooted in early experiences of emotional neglect or abandonment. These schemas manifest in adult relationships as heightened sensitivity to rejection, fear of intimacy, and difficulty in expressing vulnerability. Consequently, partners with such schemas may misinterpret benign behaviors as threatening, leading to defensive or hostile reactions that fuel conflict.

Impaired limits, another key predictor, reflects difficulties with self-discipline and respect for interpersonal boundaries. Individuals with this schema may act impulsively, disregard their partner's needs, or exhibit entitlement, contributing to friction in the relationship. Meanwhile, the schema of other-directedness, characterized by excessive compliance and suppression of personal needs to appease others, can result in emotional resentment and passive-aggressive behavior. When one's efforts to maintain harmony come at the cost of personal needs, the eventual emotional backlash can disrupt marital equilibrium.

Overall, the study underscores the importance of addressing both emotional expression deficits and maladaptive cognitive structures in marital conflict interventions. Recognizing and modifying underlying schemas, along with enhancing emotional awareness and communication skills, could serve as effective therapeutic strategies for improving marital relationships and reducing conflict among couples. These findings highlight the intricate interplay between emotion regulation and cognitive patterns in shaping the quality of intimate relationships.

References

- Adlparvar, I., Safaie Rad, I., Irfani, N., & Jadidi, H. (2022). Modeling marital conflicts based on attachment styles: The mediating role of early maladaptive schema domains in women on the brink of divorce. *Journal of the Faculty of Medicine Mashhad*, 65(1), 203-217. <https://www.sid.ir/paper/1121430/en>
- Apostolou, M., & Panayiotou, R. (2019). The reasons that prevent people from cheating on their partners: An evolutionary account of the propensity not to cheat. *Personality and individual differences*, 146, 34-40. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.03.041>
- Aryanfar, N., & Poorshehriyari, M. S. (2017). Structural equation model predicting marital conflicts based on early maladaptive schemas in the domains of abandonment and rejection, with the mediating variable of love styles. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 8(29), 107-134. <https://www.sid.ir/paper/213965/fa>
- Asadzadeh, A., Habibi, M. B., Zareh Bahram Abadi, M., & Farhangi, A. (2021). Modeling personality traits and marital conflicts with the mediating role of emotional granularity. *Women and Family Studies*, 14(54), 7-32. https://journals.iau.ir/article_681472.html
- Besharat, M. A. (2009). Attachment styles and emotional dysregulation. *Journal of Psychological Researches*, 12(4), 63-80. <https://sid.ir/paper/66289/fa>
- Edwards, E. R., & Wupperman, P. (2017). Emotion regulation mediates effects of alexithymia and emotion differentiation on impulsive aggressive behavior. *Deviant Behavior*, 38(10), 1160-1171. <https://doi.org/10.1080/01639625.2016.1241066>

- Frye, N., Ganong, L., Jensen, T., & Coleman, M. (2020). A Dyadic Analysis of Emotion Regulation as a Moderator of Associations Between Marital Conflict and Marital Satisfaction Among Firstmarried and Remarried Couples. *Journal of Family Issues*. <https://doi.org/10.1177/0192513X20935504>
- Hashemi Pour, F., Yarahlohi, N., Soleimani, H., & Roozban, S. (2022). The role of emotional granularity, cognitive flexibility, and fear of intimacy in predicting marital conflicts among nurses. *Nursing Management Journal*, 11(2), 53-63. <https://ijnv.ir/article-1-940-fa.html>
- Jarvis, M. A., Padmanabhanunni, A., & Chipps, J. (2019). An evaluation of a low-intensity cognitive behavioral therapy mHealth-supported intervention to reduce loneliness in older people. *International journal of environmental research and public health*, 16(7), 1305. <https://doi.org/10.3390/ijerph16071305>
- Kalantari, S., Malekian, M., & Ghalavand, F. (2022). Investigating the relationship between marital conflicts, fear of intimacy, and emotional granularity in women affected by marital infidelity. Seventh International Conference on Psychology, Educational Sciences, and Child Rights in the Islamic World, Tehran.
- Kinnaird, E., Stewart, C., & Tchanturia, K. (2019). Investigating alexithymia in autism- A systematic review and meta-analysis. *European Psychiatry*, 55, 80-89. <https://doi.org/10.1016/j.eurpsy.2018.09.004>
- Kover, L., Szollosi, G. J., Frecska, E., Bugan, A., Berecz, R., & Egerhazi, A. (2024). The association between early maladaptive schemas and romantic relationship satisfaction. *Frontiers in psychology*, 15, 1460723. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1460723>
- Mahapatra, A., & Sharma, P. (2018). Association of Internet addiction and alexithymia-A scoping review. *Addictive behaviors*, 1(81), 175-182. <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2018.02.004>
- Moradi Davijani, H., Karami, J., & Yazdanbakhsh, K. (2024). The mediating role of self-compassion in the relationship between early maladaptive schemas and marital conflict. *Family Research*, 20(2), 23-46. https://jfr.sbu.ac.ir/article_105060.html
- Stamps, J. A., & Metcalf, R. A. (2019). *Parent-offspring conflict*. Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780429306587-23/parent-offspring-conflict-judy-stamps-robert-metcalf>
- Uhlich, M., Nouri, N., Jensen, R., Meuwly, N., & Schoebi, D. (2022). Associations of conflict frequency and sexual satisfaction with weekly relationship satisfaction in Iranian couples. *Journal of Family Psychology*, 36(1), 140. <https://doi.org/10.1037/fam0000878>
- Young, J. E. (1998). *Young Schema Questionnaire: Short Form*. Cognitive Therapy Center. <https://doi.org/10.1037/t12644-000>
- Young, J. E., Kolsko, J., & Wisshar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford. https://www.guilford.com/books/Schema-Therapy/Young-Klosko-Weishaar/9781593853723?srsId=AfmBOoo_OZ9MgrR0ruxGP-BOV9R8NF9_7oNOdwxmNnVO2PV1ch-pBmJj